

## بررسی نقش مولفه های هویت ساز برای افزایش حس تعلق به مکان در محلات سنتی

شراره فرهاد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

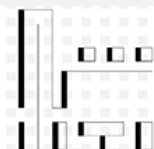
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

### چکیده

امروزه اضمحلال تدریجی ساختار و عناصر هویت بخش بافت کالبدی محلات سنتی، در کنار ناکارآمدی کارکردی، نارسایی عملکردی و معضلات فرهنگی-اجتماعی به چالشی مهم در برنامه ریزی و مدیریت این گونه محلات بدل شده است. از آنجاییکه عناصر هویت بخش معماری در بافت کالبدی می توانند هویت جمعی را برانگیزند، هدف کلی مقاله حاضر ارزیابی عناصر هویت بخش معماری است که در فرآیند شکل گیری هویت کالبدی نقش آفرین بوده و استفاده از آنان در کالبد بناها برای افزایش حس تعلق به مکان در محلات سنتی موثر است. برای دستیابی به این هدف، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به جمع آوری اطلاعات به صورت اسنادی و پیمایشی، با ابزار گردآوری به صورت پرسشنامه، نخست همبستگی میان عناصر هویت بخش معماری، هویت کالبدی و دل بستگی به مکان را مورد بررسی قرار داده و سپس شاخص های موثر در پیش بینی متغیر وابسته (دل بستگی به مکان) را مورد شناسایی قرار می دهد که با استفاده از روش آماری معادلات ساختاری نتایج تحقیق نشان داده است که اگرچه عناصر هویت بخش بر فرآیند هویت کالبدی نقش دارند اما میزان تاثیر آنها متفاوت از دیگر تحقیقات است. در میان مولفه های هویت کالبدی تداوم و تحول با میانگین ۳/۶۵ دارای بیشترین میانگین در بین سه مولفه مرتبط با هویت کالبدی است. و بعد از آن به ترتیب تمایز و تشابه با میانگین ۳/۴۱ و وحدت و کثرت با میانگین ۳/۳۹ قرار می گیرد. همانطور که نتایج نشان میدهند ساکنان محله تمایل به پیوند با گذشته و در عین حال نوآوری با توجه به شرایط زمانه دارند. و در عین حال استفاده از شاخص های معماری خاص این محله را به منظور تمایز از دیگر محلات مورد توجه قرار میدهند. این موضوع نشان دهنده این است که عناصر هویت بخش کالبدی زمینه ساز احساس مشترک در بین ساکنان است. همچنین در بررسی تاثیر هویت کالبدی بر دل بستگی در محله آقازمان، ایجاد ارتباطات اجتماعی و استفاده از الگوهای گذشته بیشترین نقش را در ایجاد هویت در این محله داشته است. بدین ترتیب استفاده کردن از عناصر هویت بخش معماری بصورت تداوم و ایجاد تحول در این مولفه ها، می تواند موجب افزایش حس تعلق به محله شود.

**کلمات کلیدی:** عناصر هویت بخش، هویت کالبدی، دل بستگی، محله آقازمان

<sup>۱</sup> - استادیار گروه معماری، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران



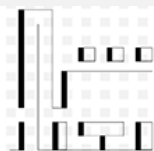
## ۱- مقدمه

رشد افقی شهرها، کاهش تراکم جمعیت در محلات سنتی شهرها، ساخت محیط‌های مسکونی سازگار با زندگی ساکنان و افزایش کیفیت زندگی از مهمترین چالشهای مدیریتی شهرهای ایران است. در این بین محلات سنتی بخشی از یک شهر هستند که به دلیل ضعف فیزیکی یا عملکردی، هویت خود را از دست داده اند و نمی‌توانند حس تعلق را در بین ساکنانشان بوجود آورند. فرسایش بافت مسکونی این محلات بر فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی تاثیر گذاشته و به کاهش شدید کیفیت زندگی و کیفیت محیطی منجر شده است. از آنجاییکه دلبستگی به مکان محرکی قوی برای حفظ و ارتقای جوامع و سرمایه‌های اجتماعی مربوط به آنهاست، برای ایجاد حس تعلق به بافت مسکونی در این محلات توجه به مفاهیمی مانند رابطه انسان با مکان، هویت و حس تعلق ضرورت می‌یابد. پژوهشهای مختلفی متغیرهای موثر بر ارتقای دلبستگی به مکان یا نتایج ارتقای این حس را شناسایی نموده اند، که همه آنان بر نقش سازنده ارتقای این حس بر کیفیت زندگی تاکید نموده اند اما، تاثیر گذاری مختصر هویت بخش معماری در فرآیند هویت کالبدی بر میزان دلبستگی به محله، بصورت تجربی در میان ساکنان مورد سنجش قرار نگرفته است. بافت تاریخی محله آقازمان شهر سنندج با ارزش کالبدی و فرهنگی نهفته در خود، از هویت شهری بالایی برخوردار است اما یکی از مسائل و معضلات اصلی در این محله پایین بودن کیفیت کالبدی و عملکردی است. این بافت تاریخی با مشکلات کلانی چون فرسودگی کالبدی و ضوابط محدود کننده نوسازی، حریم آثار تاریخی، ارگانیک بودن شبکه‌ها، بازدهی کم اقتصادی، مشکلات زیست محیطی و کمبود خدماتی چون فضای سبز، گریز جمعیتی و مهاجرت به محلات نوساز را به همراه داشته است و این عوامل منجر به روند رو به زوال این بافت شده اند. در این بین اختلاف زیاد میان کاربریهای موجود در این بافت با سرانه‌های معمول طرح شهری، زوال و انحطاط فیزیکی، ترس از جرم خیزی در واحدهای همسایگی و عدم تناسب و هماهنگی بین تراکم فعالیتهای مخصوص در شب و روز، به نوبه خود موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی و کاهش هویت محله‌ای گردیده، به گونه‌ای که نمود آن را در کاهش حس دلبستگی به محله می‌توان یافت.

در این چارچوب هدف اصلی پژوهش حاضر ارزیابی عناصر هویت بخش معماری است که در فرآیند شکل‌گیری هویت کالبدی نقش آفرین بوده و استفاده از آنان در کالبد بناها برای افزایش حس تعلق به مکان در محلات سنتی موثر است. بنابراین این مقاله به بخش‌های زیر تقسیم می‌شود: اولاً، مقاله به بررسی ادبیات مربوط به عناصر هویت بخش و هویت کالبدی می‌پردازد. پس از آن مدل مفهومی پژوهش معرفی می‌شود. در ادامه توضیحات مفصلی در مورد روش پیمایشی صورت گرفته است. ویژگی‌های اجتماعی- جمعیت‌شناختی نمونه و نتایج مطالعه در قسمت بعدی پژوهش توضیح داده شده است. پس از آن، یافته‌های اصلی مطالعه مورد بحث قرار می‌گیرد. سرانجام، نتیجه‌گیری و توصیه‌های مطالعه تشریح شده است.

## ۲- پیشینه تحقیق

کوبین لینچ در کتاب «سیمای شهر» تحلیل تصویر ذهنی شهر را مهم بر شمرده است (خطیبی، ۱۳۹۰) محیط‌های فیزیکی در مطالعات، مورد توجه بسیاری از تحقیقات قرار گرفته است. آتشین بار (۱۳۸۸) تایید داشت که هویت بسیاری از عرصه‌های ذهنی و عینی زندگی انسان را در بر می‌گیرد و بخشی از هویت منظر شهری که با کالبد گذشته شهر پیوند خورده، باعث ایجاد مکان‌های خاطره‌انگیز میشود. مظلومی و همکاران (۱۳۸۹) بیان نمودند ادراکات و تصورات ذهنی از کالبد فیزیکی، به عنوان یکی از عوامل ادراکی موثر بر ابعاد حس مکان در محله‌های مسکونی است. بمانیان

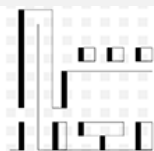


و همکاران (۱۳۸۹) شیوه های نمایش عناصر هویت ساز در معماری را به صورت: تکرار الگوهای گذشته، استفاده از نمادها، معماری بومی تزیینات و پنج اصل معماری ایران دسته بندی نمودند. مطالعه پورجعفر و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد در رویارویی با پیکره و سیما تمایز و تفاوت میان عرصه های جمعی و فردی معین می گردد. فقدان هر گونه خصلت یا سرشت باعث از دست رفتن مکان شده است. پوردیهیمی و همکاران (۱۳۹۰) بیان نمودند که محیط کالبدی نماد هویتی ساکنان است. جهت حصول به این مهم، طراحی هدفمند با عناصر مفهومی خانه و اجتماع موثر خواهد بود. رضویان و همکاران (۱۳۹۲) کیفیت محیط کالبدی و تقویت عواملی که موجب متمایز شدن محیط و افزایش هویت آن می شود را موثر در تقویت افزایش دل بستگی به مکان معرفی کردند. پورزرگر (۱۳۹۳) مهم ترین مولفه های قابل پیگیری در جهت احیاء هویت تاریخی محله را حفظ ارزشهای ماندگار محله، ایجاد وحدت فضایی مجموعه، بازگرداندن هویت اجتماعی و تاریخی محله معرفی کرد.

بررسی مطالعات بالا نشان می دهد نتایج تحقیقات بر نقش محیط فیزیکی در هویت فردی، منبع فرهنگی، ایجاد مکان های خاطره انگیز و نماد هویتی تاکید داشتند البته بمانیان و همکاران (۱۳۸۹) عناصر هویتبخش را در معماری دسته بندی کردند اما به نقش آنها در فرآیند هویت کالبدی نپرداخته اند. اما این تحقیق به دنبال چگونگی تاثیر گذاری عناصر هویت بخش معماری در فرآیند هویت کالبدی بوده است که در هیچ تحقیقی در گذشته مورد توجه قرار نگرفته است و از این رو نتایج پیش رو اهمیت منحصر به فردی دارد.

### ۳- ادبیات تحقیق

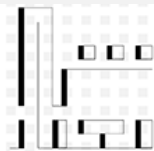
محلات قدیمی بخشی از شهر هستند که به دلیل ضعف فیزیکی یا عملکردی، هویت خود را از دست داده اند و نمی توانند حس دل بستگی را در بین ساکنانش بوجود آورند این فرسایش در بافت محلات بر فعالیت های اجتماعی و اقتصادی تاثیر گذاشته و به کاهش شدید کیفیت زندگی منجر می شود بنابراین برای ایجاد حس دل بستگی به بافت مسکونی قدیمی، باید مفاهیمی مانند هویت، هویت کالبدی و رابطه انسان با مکان را بررسی کرد. هویت، موضوعی پیچیده است. هسته اصلی آن به نوعی توصیف یا مفهوم سازی از خود اشاره دارد که ممکن است شامل نقش ها، صفات شخصی، عضویت در گروه های اجتماعی و ارتباط با مکان های اجتماعی باشد (Casakin, 2014). اینکه هویت با چه وسعتی تعریف شود به نظریه بستگی دارد. تمام نظریه های هویت الزاما انحصاری نیستند و ممکن است بر اساس علایق یک موضوع تحقیقاتی خاص انتخاب شوند. در این راستا این پژوهش بر مبنای نظریه برکول<sup>۱</sup> صورت گرفته است. نظریه فرآیند هویت برکول استفاده از جنبه های محیط مصنوع را در تحقیق بر روی هویت مفید می داند. هویت از این منظر به عنوان محصول پویای اجتماعی، تعامل حافظه ضمیر خودآگاه و برداشت های سازمان یافته قلمداد می شود. برکول بر این استدلال است که مکان ها منابع مهم مولفه های هویت هستند. جنبه هایی از هویت، از مکان هایی که به آنها تعلق داریم نشات می گیرند زیرا مکان ها دارای نمادهایی هستند که برای ما دارای معنا و اهمیت اند (Hauge, 2006). بنابراین از ویژگی های مهم هویت این است که سیال، چندبعدی و مرتبط با اجتماع است. بدین ترتیب افراد دارای چندین هویت هستند که اهمیت و بروزشان بسته به محیط و متناسب با انگیزش های اجتماعیشان متغیر است. (Devine-WRIGHT & Clayton, 2010). در واقع بین فرد و محیط زندگی اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آن که قادر به شناخت عمیق محیط و تشخیص آن بوده و توان درک تمایز آن محیط را نسبت به محیط های دیگر داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورتی پاسخ مناسبی به کنش های انجام یافته در آن محیط بدهد. تنها به این ترتیب است که نظم خاصی که نتیجه آن بروز و ظهور هویت در محیط کالبدی است به وجود خواهد آمد. از نظر رلف نیز، هویت در محیط، حاصل اندرکنش سه جزء است: ویژگی های کالبدی محیط، کارکردها و فعالیت های قابل مشاهده در محیط و معانی و مفاهیم قابل درک در آن (Relph, 1976).



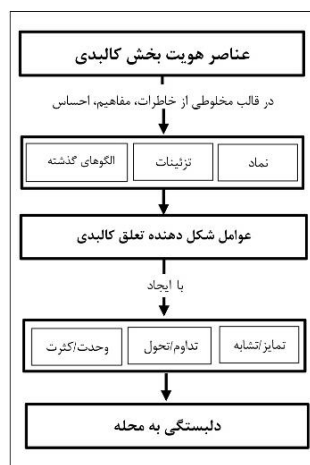
بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده ویژگیهای کالبدی یکی از مهمترین ابعاد هویتی محلات را شکل می‌دهد. در حقیقت بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت محلات را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد. (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸) هویت کالبدی در محلات به معنای صفات و خصوصیات است که جسم محله را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. این صفات باید به گونه ای باشند که جسم محله، در عین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود. در تعریف فوق، معیارهای ارزیابی هویت کالبدی نیز مستترند برای بیان صفات و هویت کالبد محله سه شرط زیر، تعیین می‌شوند: اول: تمایز آن از غیر و تشابه آن با خودی، دوم: حفظ تداوم در عین تحول، و سوم: حفظ وحدت در عین کثرت. از میان سه معیار فوق، تمایز از غیر و تشابه با خودی از همه مهمتر بوده و اصل زیر بنایی محسوب می‌شود. دو معیار بعدی اجزا و زیر مجموعه آن محسوب شده و تابع هستند. ویژگی های تعریف کننده کالبدی زمینه ساز احساس مشترک در ساکنان است، این هم پیوندی را می‌توان یکی از دلایل هویت‌مند بودن محلات دانست (میر مقتدایی، ۱۳۸۳). عناصر هویت بخش می‌توانند در کالبد محلات تعبیه شوند. آشنا بودن این مولفه ها باعث می‌شود که بتوانند به عنوان نشانه مطرح باشند و معنا را ارائه کنند. در واقع عناصر هویت بخش، تنها تراکمی از معنا نیستند بلکه نوعی از هیجانات را برمی‌انگیزند که برگرفته از هویت جمعی ست. گلچنسکی<sup>۲</sup> متذکر می‌شود: "اگرچه مولفه ها، قابل لمس بوده و یک جسم مادی هستند اما معانی آنها تا حد زیادی خیالی و موهومی هستند زیرا بینندگان مختلف در دوره های تاریخی گوناگون، تفسیرها و احساسات متفاوتی را نسبت به آن ابراز می‌کنند. این معانی خیالی فقط در ذهن افراد نیستند بلکه به اشتراک گذاشته می‌شوند و در بین افراد جامعه می‌چرخند و به بینندگان بعدی نیز منتقل می‌شوند، به نحوی که آنها نیز در نهایت صاحب سایه ای از روایت ها، ارزش ها و احساساتی که حول آن مولفه موج می‌زند، می‌شوند" (Galchinsky, 2018). در این راستا مطالعه رابطه بین فرم فیزیکی و دلبستگی به محله، پراهمیت است. محلات سنتی به دلیل موقعیت فیزیکی شان، طیفی از ویژگی ها را ارائه می‌کنند که بر رفتارها، روابط اجتماعی و هویت ساکنان تاثیر می‌گذارد. (Stevenson et al, 2018) در این میان عناصر هویت بخش در کالبد محلات از بهترین فاکتورهای تاثیرگذار در دلبستگی به محله هستند. محققان اظهار کرده اند که ساکنانی که به میل خود مکانی را به خاطر ویژگی های فیزیکی جذاب آن برای زندگی انتخاب می‌کنند به احتمال بیشتری در اجتماعات محلی مشارکت کرده و پیوندهای اجتماعی را شکل می‌دهد؛ بنابراین ساخت یک مکان معنادار در بافت مسکونی محلات قدیمی آن را برای ساکنانش قابل توجه و مهم می‌کند. آنچه معماران می‌سازند یک محیط بالقوه برای رفتار انسان است و آنچه که شخص می‌پسندد محیطی ست که بر وی تاثیر می‌گذارد (Abass&Turker, 2017).

#### ۴- چارچوب نظری تحقیق

دلبستگی به محله به عنوان یکی از جنبه های دلبستگی به مکان در محیط های شهری متمرکز می‌شود و از لحاظ مقداری قابل اندازه گیری ست (Bonaiuto et al., 2003). حس دلبستگی می‌تواند از دو دیدگاه مورد بررسی قرار گیرد: دیدگاه اجتماعی و دیدگاه کالبدی کالبد یک مکان در قالب «متغیرهای فرم» و «ساماندهی اجزاء»، به عنوان مهمترین عامل در شکل گیری حس تعلق کالبدی ارزیابی می‌شود. ویژگی هایی چون شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی هایی از فرم هستند که در قالب شکل و اندازه عناصر، بافت و تزئینات، و روابط و ساماندهی بین اجزا کالبدی یا روابط و چیدمان ظاهر می‌شوند. در واقع عناصر کالبدی، با تمام ویژگی های حاکم بر آن، به عنوان تبلور کالبدی



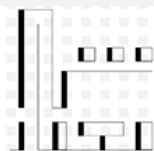
ویژگی های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، در هویت محلات مطرح می باشند (خطیبی، ۱۳۹۰). هویت کالبدی در محلات به معنای صفات و خصوصاتی است که جسم محله را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می کند و معیارهای ارزیابی آن، تمایز آن از غیر و تشابه آن با خودی، حفظ تداوم در عین تحول، و حفظ وحدت در عین کثرت است. عناصر هویت بخش معماری در کالبد محلات تعبیه شوند. این مولفه ها می توانند به عنوان نشانه مطرح باشند و معنا را ارائه کنند. (Bonaiuto et al., 2003). در این راستا این تحقیق به عناصر هویت بخشی توجه دارد که در قالب مخلوطی از خاطرات، مفاهیم، تفسیرها، ایده ها و احساسات مربوط به محیط های فیزیکی خاص در قالب نماد، تزئینات و الگوهای گذشته تعریف می شود و این ویژگی ها تحت عنوان قابلیت های کالبدی محیط از جمله عوامل شکل دهنده تعلق کالبدی تعریف می شوند. این عوامل کالبدی با ایجاد حس تمایز/تشابه، تداوم و تحول و وحدت و کثرت در کالبد محله، به عنوان بهترین فاکتورهای تاثیرگذار در دلبستگی به محله مطرح میشوند (Lewicka, 2010). بنا بر آنچه بیان گردید، روابط میان عناصر هویت بخش، هویت کالبدی و مولفه های موثر در شکل گیری دلبستگی به مکان از مطالعات مختلف استخراج گردید که چارچوب نظری تحقیق بر این اساس شکل گرفته است (شکل ۱). تحقیق پیش رو تلاش نموده است تا همه ابعاد و مولفه های موثر را از منابع معتبر استخراج و گردآوری نماید. شکل ۱ نشان می دهد که رابطه بین عناصر هویت بخش، هویت کالبدی و دلبستگی به محله، بسیار پراهمیت است. محله هایی که ذهن طراح هنگام طراحی شان بر معیارهای تمایز از غیر و تشابه آن با خودی، حفظ تداوم در عین تحول و حفظ وحدت در عین کثرت متمرکز بوده و از عناصر هویت بخش (نماد، تزئینات، الگوهای گذشته استفاده میکند ساکنان را تشویق به انجام فعالیت های بیرون از خانه می کند و بدین ترتیب تعاملات اجتماعی، مشارکت در محله و ماندن در محله را بهبود می بخشند.



تصویر ۱: چارچوب نظری تحقیق

## ۵-روش تحقیق

با توجه به هدف پژوهش، روش تحقیق حاضر از نوع کاربردی با روش پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل همه افراد بزرگسال ساکن در محله آقازمان شهرسندج در نیمه اول سال ۱۳۹۷ می باشد. علاوه بر داده های ثانویه که از نشریات، کتب، گزارشات رسمی نهادها و موسسات اجرایی و سیاستگذاری به دست آمد، تحقیق از پرسشنامه و مشاهده مستقیم به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات داده های اولیه استفاده نموده است.



براساس آخرین آمار اخذ شده از شهرداری منطقه دو سندج تعداد افراد ساکن در این محله برابر ۴۲۷۰ نفر بوده که نمونه آماری این تحقیق شامل ۳۰۰ نفر از افراد بزرگسال ساکن در این محله است. پارامتر نمونه گیری بصورت کمی بوده و واحد نمونه گیری تحقیق، فرد می باشد. که از شیوه تصادفی برای تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ به دست آمده که بیان کننده پایایی ابزار مورد استفاده است، برای متغیر عناصر هویت بخش ۰/۸۴۱، برای متغیر هویت کالبدی ۰/۸۹۵ و میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای متغیر دلبستگی به مکان معادل ۰/۷۳۴ بوده است. همچنین روایی پرسشنامه یاد شده نیز توسط پنج تن از اساتید گروه معماری و شهرسازی به تایید رسیده است. سوالات پرسشنامه در طیف لیکرت پنج درجه ای است. داده های جمع آوری شده در دو سطح آمار توصیفی شامل جداول توزیع فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و شاخص های کجی و کشیدگی صورت گرفت در سطح آمار استنباطی نیز از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و مدل یابی معادلات ساختاری (SEM)، برای آزمون مدل اصلی پژوهش استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS24 و AMOS22 انجام شد.

#### ۱-۵- اهداف و سوالات تحقیق

هدف کلی در این مطالعه بررسی رابطه بین عناصر هویت بخش معماری، هویت کالبدی و دلبستگی در محله آقازمان شهر سندج است. که در درجه اول نیازمند مطالعه و بررسی شاخص های موثر در شناسایی مولفه های هویت ساز، هویت کالبدی و دلبستگی به آن در میان ساکنان این محله است. جهت نیل به هدف تحقیق، این تحقیق باید بتواند به دو سوال پاسخ دهد؛ در همین راستا، در سوال اول، مولفه های هویت ساز کالبدی در معماری مسکونی محله آقازمان مورد بررسی قرار می گیرد. در سوال دوم، تحقیق تلاش خواهد کرد تا رابطه مولفه های هویت ساز کالبدی، هویت کالبدی و دلبستگی به محله را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد.

#### ۲-۵- متغیرهای تحقیق و ابزار اندازه گیری داده ها

همانگونه که بیان شد، این تحقیق تلاش می کند، رابطه بین عناصر هویت بخش معماری، هویت کالبدی و دلبستگی در محله را بیازماید. از این رو، در چارچوب نظری تحقیق و پیشینه تحقیق پارامترها و فاکتورهای موثر بر شناسایی عناصر هویت بخش معماری، هویت کالبدی و دلبستگی به محله در میان ساکنان، تشریح و بیان شده است.

در خصوص عناصر هویت بخش، کمیلی (۱۳۸۷) در رده بندی حساسیت ساکنان نسبت به عناصر هویت ساز، کالبد عناصر تاریخی را در اولویت های اول قرار می دهد و مهمترین ارزش مثبت از دیدگاه ساکنان را حفظ و توسعه الگوهای کالبدی و اجتماعی بجای مانده از گذشته معرفی می کند. مهدی زاده سراج و طباطبایی (۱۳۸۷) عوامل هویت ساز معماری را به سه دسته کالبدی، فرهنگی و عملکردی تقسیم کرد و عناصر هویت زای کالبدی را شامل اقلیم و عناصر شاخص معماری چون نماد و نشانه می داند و بیان می کند که هویت در کالبد آثار تاریخی منعکس می شود. بمانیان و همکاران (۱۳۸۹) شیوه های نمایش عناصر هویت ساز در معماری را به صورت: تکرار الگوهای گذشته، استفاده از نمادها، معماری بومی تزئینات و پنج اصل معماری ایران دسته بندی نمودند. از این رو، متغیر مولفه های هویت ساز در این پژوهش، مشتمل بر شاخص های نماد، تزئینات و الگوهای گذشته است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹).

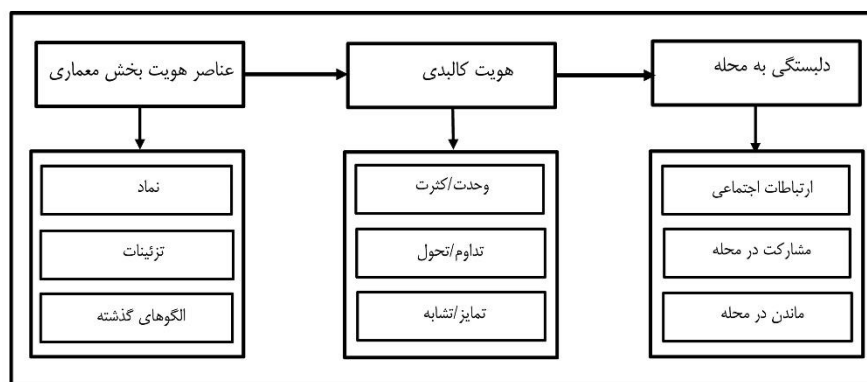
پوردیپیمی و همکاران (۱۳۹۱) بیان نمود طراحی محیط های مسکونی باید در راستای این امر باشد که محیط کالبدی به گونه ای خلق شود که ساکنان آن را نماد هویتی خود قرار دهند. آتشین بار (۲۰۱۰) تایید داشتند که بخشی از هویت منظر شهری که با کالبد گذشته شهر پیوند خورده، باعث ایجاد مکان های خاطره انگیز میشود. رضویان و همکاران (۱۳۹۲) کیفیت محیط کالبدی و تقویت عواملی که موجب متمایز شدن محیط و افزایش هویت آن می شود را موثر در تقویت افزایش دلبستگی به مکان معرفی کردند. میرمقتدایی (۱۳۸۳) معیارهای ارزیابی هویت کالبدی را تمایز از غیر و تشابه آن با خودی، حفظ تداوم در عین تحول و سوم: حفظ وحدت در عین کثرت معرفی کرد. از این رو، متغیر هویت کالبدی در این پژوهش، مشتمل بر شاخص های تمایز/تشابه، تداوم/تحول، وحدت/کثرت است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳).

بونیتو و همکارانش<sup>۳</sup> در سال (۲۰۰۳) بیان نمودند که دلبستگی به محله به عنوان یکی از جنبه های دلبستگی به مکان در محیط های شهری متمرکز می شود و نقش بسزایی در سطح تعاملات اجتماعی در محلات شهری دارد. لویکا<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) پیوندهای شکل گرفته در محلات شهری را، بهترین فاکتور تاثیرگذار در دلبستگی به محله معرفی کرد. همچنین تحقیق آنتون و لارنس<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) نشان داد که ساکنانی که به میل خود مکانی را به خاطر ویژگی های فیزیکی جذاب آن، برای زندگی انتخاب می کنند بیشتر در اجتماعات محلی مشارکت دارند. کلارک و همکارانش<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) تاثیر دلبستگی به مکان بر تصمیم افراد برای نقل مکان یا ماندن در محله را بررسی کردند. آنها در این پژوهش دریافتند که دلبستگی به مکان عاملی مهم در نقل مکان یا ماندن ساکنان در محل سکونتشان است (Cao et al., 2018). بنابراین از شاخص های موثر در ایجاد دلبستگی به محله، این تحقیق شاخص های ارتباطات اجتماعی (Bonaiuto et al., 2003; Lewicka, 2010)، مشارکت در محله (Anton & Lawrence, 2014; Mesch & Manor, 1998) و ماندن در محله (Clark et al., 2015; Mesch & Manor, 1998) را مورد ارزیابی قرار داد.

جدول ۱: مولفه های هویت ساز معماری برای افزایش دلبستگی

متغیر	شاخص	صاحب نظران
مولفه های هویت ساز	نماد	بمانیان (۱۳۸۹)، کمیلی (۱۳۸۷) سراج و طباطبائی (۱۳۸۷)
	تزئینات	
	الگوهای گذشته	
هویت کالبدی	وحدت/کثرت	آتشین بار (۱۳۸۹)، رضویان و همکاران (۱۳۹۲)، میرمقتدایی، (۱۳۸۳)
	تداوم/تحول	
	تمایز/تشابه	
دلبستگی به محله	ارتباطات اجتماعی	لویکا (۲۰۱۰)، بونیتو (۲۰۰۳)
	مشارکت در محله	آنتون و لاورانس (۲۰۱۴)، مسج و منور (۱۹۹۸)
	ماندن در محله	مسج و منور (۱۹۹۸)، کلارک و همکاران (۲۰۱۷)

از این رو، تصویر شماره ۲ تجمیع عوامل تاثیر گذار بر دل‌بستگی را در سه مولفه‌ مولفه های هویت ساز (متغیر مستقل)، هویت کالبدی (متغی میانجی) و دل‌بستگی به محله (متغیر وابسته) نشان می دهد.



تصویر ۲: مدل مفهومی تحقیق

همانگونه که بیان شد از ابزار پرسشنامه برای سنجش مدل تحقیق استفاده شده است که برای تهیه پرسشنامه نخست، پیشینه نظری و تجربی مرتبط با موضوع مطالعه گردید سپس پرسشنامه ای، بر طبق مقیاس اندازه گیری لیکرت بین گروهی از ساکنان توزیع شد و سوالات محدوده ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، درجه بندی و پاسخ ها از نظر عددی ارزش گذاری شدند. پرسشنامه در سه دسته سوالات مربوط به، متغیرهای مولفه های هویت ساز، هویت کالبدی و دل‌بستگی به محله از ساکنان پرسش شد. سوالات از تحقیقات معتبری در زمینه مولفه های هویت ساز، هویت کالبدی و دل‌بستگی به مکان، الگوبرداری شدند (Wynreen, et al., 2017; Bonaiuto et al., 2003; Chen, 2017; Clark et al., 2017). و برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج های آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه

عنوان	تعداد سوال	میزان ضریب آلفای کرونباخ
مولفه های هویت ساز (aic)	۹	۰/۸۴۱
هویت کالبدی (ph)	۹	۰/۸۹۵



ضرایب آلفای گزارش شده در جدول فوق نشان می دهد که همه خرده مقیاس های پرسشنامه تحقیق از پایایی قابل قبول برخوردار هستند و میزان الفای همه آنها از حداقل معیار قابل قبول یعنی ۰/۷۰ بیشتر هستند.

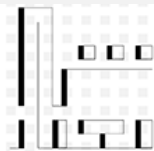
## ۶- معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، محله آقازمان شهر سنج است که در حدود و موقعیت تصویر ۴ ارائه شده است. محله آقازمان یکی از محلات مهم و اقلیت نشین این شهر است که در قلب بافت تاریخی قرار دارد و به دلیل مسافت کوتاه تا بازار از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در گذشته، محل سکونت تجار و بازرگانان بوده است و از این رو معماری ساختمان ها به دلیل تمکین مالی صاحبان آن قابل توجه و ماندگار بوده است. محدوده مورد مطالعه با وسعتی برابر ۳۵۵۵۵ مترمربع جزو ساختار اصلی و هسته اولیه شهر است، در گذشته بیشترین جمعیت شهر، در این محدوده ساکن بوده اند اما با گسترش و توسعه شهر و هم زمان با شکل گیری بافت جدید و نیز فرسودگی بافت مرکزی، از بار جمعیت این بافت تا حدودی کاسته شد. بافت این محله، متشکل از کوچه های باریک و عنکبوتی است و از دو بخش تشکیل شده، بخش اول شامل ساختمانهای تاریخی مربوط به دوره قاجار که تعدادشان کم نیست و به ثبت ملی رسیده اند، که در شرایط کنونی به حال خود رها شده اند و بخش دوم بافتی با حدود ۵۰ درصد مسکونی است. یکی از مسائل و معضلات اصلی در این محله پایین بودن کیفیت کالبدی و عملکردی است بررسیهای انجام شده نشان می دهد که درصد بالایی از ساختمانها در این محله با استفاده از مصالح کم دوام و بی دوام ساخته شده اند. این بافت تاریخی با مشکلات کلانی چون فرسودگی کالبدی و ضوابط محدود کننده نوسازی، حریم آثار تاریخی، ارگانیک بودن شبکه، بازدهی کم اقتصادی، مشکلات زیست محیطی و کمبود خدماتی چون فضای سبز، گریز جمعیتی و مهاجرت به محلات نوساز را به همراه داشته است و مهمترین عامل روند رو به زوال این بافت است. اختلاف زیاد میان کاربریهای موجود در این بافت با سرانه های معمول طرح شهری، زوال و انحطاط فیزیکی، ترس از جرم خیزی در واحدهای همسایگی و عدم تناسب و هماهنگی بین تراکم فعالیتها به خصوص در شب و روز، به نوبه خود موجب افزایش آسیب های اجتماعی و کاهش هویت محله ای گردیده به گونه ای که نمود آن را در کاهش حس تعلق به مکان می توان یافت.



تصویر ۳: موقعیت محله آقازمان

## ۷- یافته های پژوهش



در پیمایشی که بر روی ۳۰۰ نفر از ساکنان محله آقازمان صورت گرفت، ۵۹ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۱ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل داده بودند. همچنین ۶۳ درصد از پاسخگویان متأهل و ۳۷ درصد از پاسخگویان مجرد بودند. بنابر اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه ۱۴ درصد از پاسخگویان بیسواد، ۳/۳۱ درصد دیپلم، ۱۹ درصد لیسانس و ۸ درصد فوق لیسانس بوده اند بیشتر اعضای این محله دارای شغل آزاد بوده اند (حدود ۴۷ درصد)، حدود ۱۷ درصد نیز کارمند و ۲۶ درصد اعضای نمونه هم بیکار هستند. از لحاظ بررسی انجام شده در خصوص مشخصات نحوه زندگی ساکنان در این محله مشخص شد که اکثر اعضای نمونه (حدود ۳۸ درصد) دارای خانه قدیمی در محله آقا زمان هستند، ۲۱ درصد اعضا در خانه های جدید و زندگی را به تازگی در این محله آغاز کرده اند و اما ۴۸ درصد ساکنانی هستند که در خانه های جدید زندگی میکنند و قبل از این خانه ها هم در این محله ساکن بوده اند.

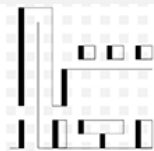
#### ۱-۷ - بررسی شاخص های سه مولفه نماد، تزیینات و الگوهای گذشته

جدول ۳: شاخص های توصیفی سه مولفه فرعی نماد، تزیینات و الگوهای گذشته

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
نماد	۳۰۰	۳/۷۹	۰/۸۰	-۰/۶۴	۰/۱۹	۱	۵
تزیینات	۳۰۰	۳/۶۳	۰/۷۳	-۰/۴۳	۰/۳۴	۱	۵
الگوهای گذشته	۳۰۰	۳/۸۷	۰/۹۲	-۰/۸۷	۰/۵۰	۱	۵

بر اساس نتایج بدست آمده میانگین مولفه الگوی های گذشته کمی بیشتر از دو مولفه دیگر یعنی نماد و تزیینات است. شاخص های کجی و کشیدگی در دامنه +۱ الی -۱ قرار دارند و این مساله نشان دهنده نرمال بودن توزیع نمره های در این سه مولفه است.

#### ۲-۷ - شاخص های توصیفی سازه هویت کالبدی



جدول ۴: شاخص‌های توصیفی هویت کالبدی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
وحدت/کثرت	۲۹۸	۳/۳۹	۰/۸۶	-۰/۱۷	۰/۰۰	۱	۵
تداوم/تحول	۲۹۸	۳/۶۵	۰/۸۷	-۰/۴۰	-۰/۱۴	۱	۵
تمایز/تشابه	۲۹۵	۳/۴۱	۰/۸۲	-۰/۴۸	۰/۶۰	۱	۵
نمره کل	۳۰۰	۳/۵۰	۰/۷۳	-۰/۵۰	۰/۸۳	۱	۵

داده های جدول فوق بیانگر این است که مولفه تداوم و تحول با میانگین ۳/۶۵ دارای بیشترین میانگین در بین سه مولفه مرتبط با هویت کالبدی است.

### ۳-۷- شاخص های توصیفی مولفه های مرتبط با سازه دل‌بستگی به محله

جدول ۵: شاخص‌های توصیفی مولفه های مرتبط با سازه دل‌بستگی به محله

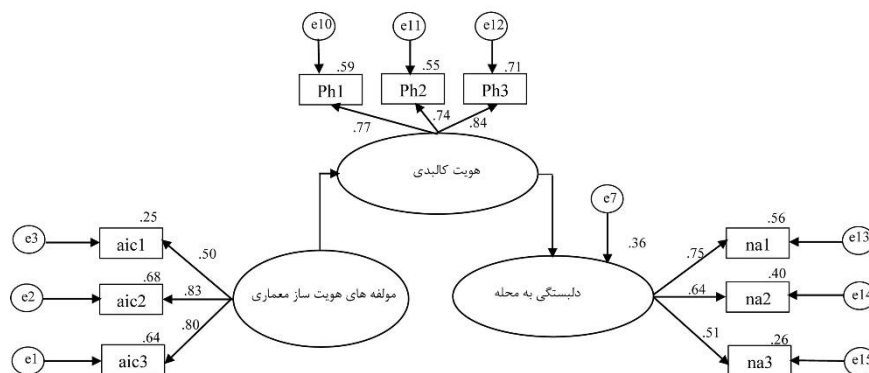
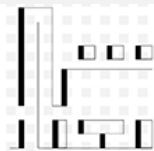
متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
ارتباطات اجتماعی	۲۹۲	۲/۹۸	۰/۹۶	۰/۰۴	-۰/۴۷	۱	۵
مشارکت در محله	۲۹۲	۳/۹۲	۰/۸۳	-۰/۶۳	-۰/۱۰	۱	۵
ماندن در محله	۲۹۲	۳/۱۵	۰/۸۱	۰/۲۸	-۰/۰۹	۱	۵

داده های بدست آمده نشان گر این است که میانگین ارتباطات اجتماعی پایین از میانگین فرضی در طیف لیکرت پنج درجه ای یعنی عدد ۳ است و تنها مولفه ای است که میانگین آن کمتر از ۳ است. همچنین براساس داده ها مشارکت در محله برابر ۳/۹۲ است و نشان دهنده میزان بالای مشارکت در محله است.

### ۸- یافته های استنباطی

مدل ساختاری پژوهش که شامل مولفه های هویت ساز کالبدی (متغیر مستقل یا برون زای اصلی)، دل‌بستگی به محله (متغیر وابسته یا درون زای اصلی) و هویت کالبدی (متغیرهای میانجی) است، جهت آزمون مدل پژوهش از مدل یابی معادلات ساختاری با روش بیشینه درست نمایی استفاده شد.

تصویر ۴: مدل ساختاری پژوهش



در جدول زیر معناداری ضرایب بین سازه مکنون هویت با متغیرهای نشان گر مرتبط با آن ارائه شده است:

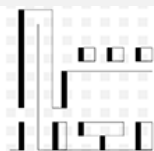
جدول ۶: معناداری ضرایب مدل‌های اندازه گیری

از سازه به مولفه	میزان برآورد	خطای اندازه گیری	مقدار بحرانی
هویت -> نماد	۰/۶۰۰	۰/۰۶۹	۸/۷۴۶
هویت -> تزئینات	۰/۷۵۸	۰/۰۷۷	۹/۸۷۵
هویت -> الگوهای گذشته	۱	-	-
هویت کالبدی -> تمایز/تشابه	۱	-	-
هویت کالبدی -> تداوم و تحول	۰/۹۷۸	۰/۰۸۳	۱۱/۸۳۹
هویت کالبدی -> وحدت و کثرت	۱/۰۳۶	۰/۰۸۵	۱۲/۱۹۴
دلبستگی به محله -> ارتباطات اجتماعی	۱	-	-
دلبستگی به محله -> مشارکت در محله	۰/۸۳۶	۰/۱۰۳	۸/۱۳۳
دلبستگی به محله -> ماندن در محله	۰/۹۱۵	۰/۱۱۳	۸/۰۷۶

همانگونه که ملاحظه می شود همه ضرایب معنادار هستند و این مساله نشان می دهد که مولفه ها نشانگر خوبی برای سازه هویت هستند. همانگونه که مشاهده می شود ضریب هر دو متغیر نشانگر سازه هویت کالبدی معنادار هستند. براساس داده های حاصل در جدول فوق هر سه متغیر نشانگر تعریف شده برای سازه دلبستگی به محله در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند و بنابراین نشانگر مطلوبی برای سازه دلبستگی محسوب می شوند. در جدول زیر معناداری ضرایب مسیر بین سازه های موجود در مدل ارائه شده است:

جدول ۷: معناداری ضرایب غیراستاندارد مستقیم بین متغیرهای موجود در مدل

از متغیر	به	به متغیر	مقدار b	خطا (S.E)	نسبت بحرانی (C.R)	سطح معناداری p
----------	----	----------	---------	-----------	-------------------	----------------



مولفه های هویت ساز	←	هویت کالبدی	۰/۹۱	۰/۱۰	۱۰/۷۰	۰/۰۰۰۱
هویت کالبدی	←	دل بستگی به محله	۰/۱۱	۰/۱۸	۲/۰۴	۰/۰۴

همانگونه که در داده های جدول فوق مشاهده می شود ضرایب استاندارد مسیر بین سازه های موجود در مدل همگی معنادار هستند. در جدول ۸ ضرایب استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و کل بین سازه ها ارائه شده است. همچنین میزان واریانس تبیین شده متغیرهای وابسته در مدل نیز ارائه شده اند.

جدول ۸: اثرات استاندارد مستقیم و غیرمستقیم و کلی متغیرهای اصلی پژوهش

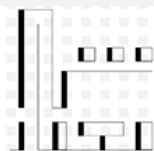
از سازه	به سازه	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
مولفه های هویت ساز	هویت کالبدی	۰/۹۱	ندارد	۰/۹۱	۰/۸۳
هویت کالبدی	دل بستگی به محله	۰/۱۱	ندارد	۰/۱۱	۰/۸۹

همانطور که قبلا بیان شد همه ضرایب مستقیم مدل معنادار بودند. همچنین در آخرین ستون جدول فوق، میزان واریانس تبیین شده متغیرهای درون زای مدل براساس متغیرهای برون زا گزارش شده است. میزان واریانس تبیین شده متغیر درون زای اصلی مدل یعنی دل بستگی به محله از طریق سازه هویت کالبدی برابر ۰/۸۹ است یعنی ۸۹ درصد از واریانس متغیر وابسته اصلی توسط متغیرهای مدل تبیین می شود و تنها ۱۲ درصد از واریانس آن به متغیرهای خارج از مدل مربوط می شود. همچنین واریانس مولفه های هویت ساز به هویت کالبدی ۰/۸۳ تبیین شده است.

## ۹- بحث و تحلیل یافته های پژوهش

مدل مفهومی پژوهش حاضر از سه شاخص اصلی مولفه های هویت ساز، هویت کالبدی و دل بستگی به مکان تشکیل شده است. در تحلیل های مبتنی بر معادلات ساختاری مشخص شد که ارتباط معناداری بین سازه های مکنون و متغیرهای نشانگر وجود دارد (جدول ۶). براساس نتایج بدست آمده، رابطه مستقیم بین مولفه های هویت معماری، هویت کالبدی و دل بستگی مکان معنادار و مثبت است همچنین نتیجه حاصله نشان می دهد اگرچه مولفه های هویت ساز بر فرآیند هویت کالبدی نقش دارند اما میزان تاثیر آنها متفاوت از دیگر تحقیقات است. در میان مولفه های هویت کالبدی تداوم و تحول با میانگین ۳/۶۵ دارای بیشترین میانگین در بین سه مولفه مرتبط با هویت کالبدی است. و بعد از آن به ترتیب تمایز و تشابه با میانگین ۳/۴۱ و وحدت و کثرت با میانگین ۳/۳۹ قرار می گیرد.

این نتایج بیانگر ارزش استفاده از مولفه های هویت ساز معماری با ایجاد تداوم و تحول این مولفه ها در کالبد بناها در جهت ایجاد دل بستگی مکانی بیشتر از گذشته است. در همین راستا نتایج تحقیقات پیشین عوامل هویت ساز معماری را به صورت کالبدی، فرهنگی و اجتماعی دسته بندی کرده و اشاره به انعکاس هویت در کالبد داشتند. نتایج این تحقیق در خصوص مولفه های هویت ساز در محله آقازمان نیز مشابه تحقیقات گذشته است اما با توجه به اینکه عناصر استخراج شده بصورت عمومی بوده و در همه مناطق قابلیت استناد ندارد این تحقیق با انجام مطالعات میدانی عناصر هویت سازی را که به ترتیب فراوانی بیشتری داشتند را استخراج و انتخاب کرده است که در نهایت در پاسخ به سوال اول تحقیق، پس از مطالعات میدانی و مشاهدات مستقیم، مولفه های هویت ساز در معماری مسکونی محله آقازمان بررسی شد و مشخص شد که مهم ترین عامل تاثیر گذار در این محله، استفاده از الگوهای گذشته با میانگین ۳/۸۷ است و بعد از آن نماد با میانگین ۳/۷۹ و در نهایت تزئینات با میانگین ۳/۶۳ قرار دارند.



همچنین در راستای پاسخ به سوال دوم تحقیق، رابطه بین مولفه های هویت ساز معماری، هویت کالبدی و دلبستگی به محله، در محله آقازمان مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مولفه های هویت ساز با ایجاد هویت در کالبد از طریق افزایش دلبستگی به محله می تواند به ترتیب در افزایش ارتباطات اجتماعی، ماندن در محله و مشارکت در محله نقش داشته باشند.

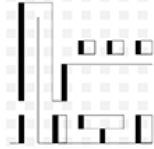
بنابراین یافته های استخراج شده از بطن تحلیل های آماری، نشان از ارتباط مولفه های هویت ساز کالبدی در ایجاد دلبستگی به محله آقازمان دارد که این نتیجه، ارزش استفاده از مولفه های هویت ساز را در ایجاد دلبستگی به محله در بافتهای تاریخی بیش از پیش نمایان می کند. در همین راستا و با توجه به یافته های مطالعات تجربی و نظری گذشته، یافته های تحقیق پیش رو حائز اهمیت می باشد. اگرچه هیچ یک از تحقیقات گذشته به ارتباط مولفه های هویت ساز کالبدی بر دلبستگی به مکان نپرداختند، اما بخشی از نتایج تحقیق پیش رو در تاثیر گذاری کالبد بر دلبستگی به مکان، با نتایج مطالعات مشابهی چون مظلومی و همکاران (۱۳۹۰) همراستا و واجد یک مفهوم واحد می باشد. مظلومی و همکارانش بیان نمودند که ادراکات و تصورات ذهنی از کالبد فیزیکی، به عنوان یکی از عوامل ادراکی موثر بر ابعاد حس مکان در محله های مسکونی است. آتشین بار (۱۳۸۹) تایید داشتند که هویت بسیاری از عرصه های ذهنی و عینی زندگی انسان را در بر می گیرد و بخشی از هویت منظر شهری که با کالبد گذشته شهر پیوند خورده، باعث ایجاد مکان های خاطره انگیز میشود. نتایج مطالعه کنونی نیز بر یافته های این تحقیقات صحنه گذارده و همسو با آن تایید می کند که رابطه ای معناداری میان ویژگیها و خصوصیات کالبدی محله مسکونی آقازمان با دلبستگی به آن محله وجود دارد.

همچنین نتایج مطالعه کنونی نیز بر یافته های تحقیق چشمه زنگی صحنه گذارده و همسو با آن تایید می کند که رابطه ای معناداری میان ویژگیها و خصوصیات کالبدی محله مسکونی آقازمان با نحوه رفتار، کنش و واکنش کاربران آن محله وجود دارد. از سوی دیگر، نصر (۱۳۸۵) در نتایج تحقیق خود تایید می کند که حس مکان، هویت و کیفیتی که منجر به منحصر به فرد بودن هر شهری می گردد، از جمله ویژگی هایی هستند که باید در نوسازی بافت های شهری مد نظر قرار گیرد. نصر (۱۳۸۵) در چرایی این ادعای خود، به برخی از نتایج احراز هویت مکانی همچون « این همانی با فضا »، تعلق مکان و تعلق خاطره اشاره می کند. یافته های تحقیق کنونی نیز با نتایج تحقیق نصر (۱۳۸۵) همراستا می باشد و نتایج هر دو تحقیق بر رابطه مستقیم میان هویت بخشی بر افزایش تعلق به مکان اشاره دارند.

## ۱۰- نتیجه گیری

مولفه هویت ساز بسیار پراهمیت می باشند. از منظر شناخت اجتماعی مولفه های هویت ساز شامل معانی از رویدادهای شخصی و اجتماعی در زندگی روزمره انسانها هستند بنابراین مجموعه ای غنی از ارتباطات احساسی را با رویدادها فراهم می کنند. در عین حال، محلات و نقش آنها در شکل گیری هویت از آن جهت دارای اهمیت است که محلات، بخشی از واقعیتی هستند که مردم در آن زندگی می کنند و بر طبق مشخصات فیزیکی، عاطفی و رفتاری که به آنها نسبت داده شده، نمایانده می شوند. به همین ترتیب، نگرش ها، عواطف و باورهای تثبیت شده در مورد محلات نیز، بر تصویر درونی که انسان از آنها دارد، تاثیر می گذارند. بر همین اساس، پیوندهای عاطفی که مردم با محلات ایجاد می کنند، نقش مهمی در نحوه درک و تفسیر آنها دارد. دلبستگی به مکان عموماً در قالب پیوند عاطفی که فرد نسبت به مکان سکونت اش دارد، تعریف می شود در واقع انسان با برقراری این پیوند عاطفی با مکان، احساس راحتی و امنیت کرده و تمایل دارد تا به مدت طولانی در همان مکان سکونت داشته باشد.

در این تحقیق در راستای اهمیت بالای مولفه های هویت ساز در ایجاد دلبستگی به مکان اینگونه به نظر می رسد که برای نایل گشتن به حس دلبستگی به مکان در بافت محلات سنتی، تمرکز بر خانه های مسکونی بافت و بررسی هویت کالبدی محله ای با تاکید بر مولفه های هویت ساز ضرورت می یابد. با توجه به یافته های پژوهش می توان بیان کرد که یافته های پژوهش با پیشینه نظری و تجربی پژوهش در یک راستا بوده،



همچنین ارتباط معنا داری بین مولفه ای هویت ساز، هویت کالبدی و دل‌بستگی به مکان وجود دارد. که در زیر به تفکیک آورده شده است. با توجه به نتایج حاصل از سوال تحقیق همه ضرایب مستقیم مدل (۰/۱۵) معنادار بودند همچنین میزان واریانس تبیین شده متغیر درون زای اصلی مدل یعنی دل‌بستگی به محله از طریق سازه مولفه های هویت ساز، برابر ۰/۸۹ است یعنی ۸۹ درصد از واریانس متغیر وابسته اصلی توسط متغیرهای مدل تبیین می شود و تنها ۱۲ درصد از واریانس آن به متغیرهای خارج از مدل مربوط می شود همچنین ضریب همبستگی پیرسون مولفه های هویت ساز به دل‌بستگی به مکان برابر ۰/۴۵۶ است. در مجموع نتایج ارزیابی شاخص های برازش نشان داد که مدل نهایی پژوهش به صورت قابل قبولی با داده های جمع آوری شده برازش دارد

این تحقیق به دنبال چگونگی تاثیر گذاری مولفه های هویت ساز در فرآیند هویت کالبدی بوده است که در هیچ تحقیقی در گذشته مورد توجه قرار نگرفته است و از این رو نتایج پیش رو اهمیت منحصر به فردی دارد. نتیجه حاصله نشان می دهد اگرچه مولفه های هویت ساز بر فرآیند هویت کالبدی نقش دارند اما میزان تاثیر آنها متفاوت از دیگر تحقیقات است. در میان مولفه های هویت کالبدی تداوم و تحول با میانگین ۳/۶۵ دارای بیشترین میانگین در بین سه مولفه مرتبط با هویت کالبدی است. و بعد از آن به ترتیب تمایز و تشابه با میانگین ۳/۴۱ و وحدت و کثرت با میانگین ۳/۳۹ قرار می گیرد. همانطور که نتایج نشان میدهند ساکنان محله تمایل به پیوند با گذشته و در عین حال نوآوری با توجه به شرایط زمانه دارند. و در عین حال استفاده از شاخص های معماری خاص این محله را به منظور تمایز از دیگر محلات مورد توجه قرار میدهند. این موضوع نشان دهنده این است که مولفه های هویت ساز کالبدی زمینه ساز احساس مشترک در بین ساکنان است. لذا توجه به احساسات مشترک ساکنان در محله می تواند موجب افزایش حس تعلق به محله شود. احساس تعلق به مکان سبب افزایش ارتباط انسان با محیط، و در نتیجه سبب ارتقای کیفیت مطلوب کالبدی می شود. همچنین در بررسی تاثیر هویت کالبدی بر دل‌بستگی در محله آقازمان، ایجاد ارتباطات اجتماعی و استفاده از الگوهای گذشته بیشترین نقش را در ایجاد هویت در این محله داشته است. بدین ترتیب استفاده کردن از مولفه های هویت ساز (نماد، تزئینات، اقدام مسئولان، برنامه ریزان و دست اندرکاران محلات شهری یاری نماید. در راستای تحقق اهداف این پژوهش پیشنهاد می شود به مواردی همچون دل‌بستگی های فردی و گروهی به مکان، فراهم نمودن مطلوبیت مکانی برای افراد با سطوح تحصیلی متفاوت، توجه به تجربیات افراد از مکان و به استفاده از عناصر هویت بخش توجه شود. پژوهش آتی در این زمینه می تواند به بررسی الگوهای طراحی مسکن برپایه مولفه های هویت ساز در معماری در جهت ارتقا دل‌بستگی را از محور این بحث خارج است مورد کنکاش قرار دهد.

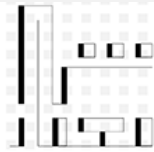
## پی نوشت

- 1-Breakwell
- 2-Galchinsky
- 3- Bonaiuto et al
- 4-Lewicka
- 5- Anton & Lawrence
- 6-Clark

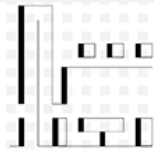
## منابع

- آتشین بار، محمد. (۱۳۸۹)، تداوم هویت در منظر شهری، مجله باغ نظر، ش. ۱۲، شماره ۶، صص ۴۵.
- بمانیان محمد رضا، غلامی رستم نسیم، و رحمت پناه جنت. (۱۳۸۹). عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه های ایرانی «نمونه موردی خانه رسولیان یزد». هنر اسلامی، ج. ۷ شماره ۱۳، صص ۵۵-۶۸.
- پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. نشریه مسکن و محیط روستا، (۱۳۴)، ۱۹-۳.
- خطیبی، سید محمد رضا (۱۳۹۰) تاثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر مطالعه موردی: محدوده ورودی سندج، نشریه هویت شهر، سال هفتم، شماره سیزدهم، صفحه ۷۳-۶۳.
- رضویان، محمد تقی، شمس پویا، محمد کاظم و ملاتباراللهی، عبدالله (۱۳۹۳). «کیفیت محیط فیزیکی و حس مکان»، مجله جغرافیا و آمایش سرزمین، ش. ۴ شماره ۱۰، صص ۸۷-۹۶.
- کمیلی، محمد (۱۳۹۵)، تحلیل عملکرد عناصر هویت بخش به منظر شهری بخش مرکزی تهران، مجله مدیریت شهری، شماره ۴۲، صص ۲۲۶.
- مظلومی، مازیار (۱۳۹۰) تاثیر پذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله های مسکونی شهری، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول شماره سوم، صص ۱۵۰.
- مهدی زاده سراج، فاطمه، طباطبایی، طناز (۱۳۸۷) عوامل هویت زای شهر بومی ایرانی، نشریه شهرسازی و معماری هفت، دوره ۲، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۶۰-۷۰.
- میرمقصدایی، مهتا (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. هنرهای زیبا، (۱۹)، ۳۸-۲۹.
- نصر، طاهره (۱۳۸۵). نگاهی به مقوله هویت در معماری. مجله بین المللی راه و ساختمان، (۳۱).
- نوفل، سیدعلیرضا، کلبادی، پارین، و پورجعفر، محمد رضا. (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص های موثر در هویت شهری (نمونه موردی محله جلقا در شهر اصفهان). معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۳(۳)، ۵۷-۶۹.
- . Abass, Z. & Tucker, T. (2018), "White picket fences & other features of the suburban physical environment: correlates of neighbourhood attachment in 3 Australian low-density suburbs", *Landscape and Urban Planning*, Vol. 170 No. 2, pp. 231-240.
- . Anton, C.E. & Lawrence, C. (2014), "Home is where the heart is: the effect of place of residence on place attachment and community participation", *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 40, pp. 451-461.
- . Bonaiuto, M., Fornara, F. & Bonnes, M. (2003), "Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of rome", *Landscape and Urban Planning*, Vol. 65 Nos 1/2, pp. 41-52.
- . Casakin, H., Hernandez, B. & Ruiz, C. (2015), "Place attachment and place identity in Israeli cities: the influence of city size", *Cities*, Vol. 42, pp. 224-230.
- . Cao, X., Wu, X. & Yuan, Y. (2018), "Examining built environmental correlates of neighborhood satisfaction: a focus on analysis approaches", *Journal of Planning Literature*, Vol. 33 No. 4, pp. 1-14.
- . Clark, W.A., Duque-Calvache, R. & Palomares Linares, I. (2017), "Place attachment and the decision to stay in the neighbourhood", *Population, Space and Place*, Vol. 23 No. 2, pp. 1-16.
- . Chen, N., & Dwyer, L. (2018), "Residents' place satisfaction and place attachment on destination brand-building behaviors: conceptual and empirical differentiation", *Journal of Travel Research*, Vol. 57 No. 8, pp. 1026-1041.
- . Galchinsky, M. (2018), "Iconic loss: global civil society and the destruction of cultural property", *Haft SHahr*, Vol. 16 No. 8, pp. 671-685.
- . Hauge, A. (2007). *Identity and Place: A Critical Comparison of Three Identity Theories*, *Architectural Science Review*, 50(1), 44-51.





- . Devine-Wright, B. and Clayton, S. (2010), Introduction to the Special Issue: Place, Identity and Environmental Behavior, Elsevier, 267-270.
- . Lewicka, M. (2010), "What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment", Journal of Environmental Psychology, Vol. 30 No. 1, pp. 35-51.
- . Mesch, G.S. and Manor, O. (1998), "Social ties, environmental perception, and local attachment", Environment and Behavior, Vol. 30 No. 4, pp. 504-519.
- . Relph, E. (1976). Place and placelessness (Vol. 67, p. 45). London: Pion.
- . Stevenson, C., McNamara, N., Kellezi, B., Easterbrook, M., Shuttleworth, I., & Hyden, D. (2019). Re-identifying residential mixing: Emergent identity dynamics between incomers and existing residents in a mixed neighbourhood in Northern Ireland. European Journal of Social Psychology, 49(2), 413-428.
- . Wynveen, C.J., Schneider, I.E., Cottrell, S., Arnberger, A., Schlueter, A.C., & Von Ruschkowski, E. (2017), "Comparing the validity and reliability of place attachment across cultures", Society and Natural Resources, Vol. 30 No. 11, pp. 1389-1403.



## Investigating the role of identity building components to increase the sense of belonging to a place in traditional neighborhoods Sharareh farhad

Today, the gradual decay of the structure and identity elements of the physical fabric of traditional neighborhoods, along with functional inefficiency, functional insufficiency and socio-cultural problems, has become an important challenge in the planning and management of such neighborhoods. Traditional neighborhoods are part of a city that have lost their identity due to physical or functional weakness and cannot create a sense of belonging among their residents. The erosion of the residential fabric of these neighborhoods has affected the social and economic activities and has led to a sharp decrease in the quality of life and the quality of the environment. Since attachment to a place is a strong stimulus for maintaining and promoting communities and their related social capital, in order to create a sense of belonging to the residential context in these neighborhoods, it is necessary to pay attention to concepts such as human relationship with place, identity and sense of belonging. Various researches have identified variables that are effective in promoting attachment to a place or the results of promoting this feeling, all of which emphasize the constructive role of promoting this feeling on the quality of life, but the influence of architectural identity elements in the process of physical identity on the level of attachment to the neighborhood has not been measured empirically among residents. Since the elements of architectural identity in physical context can evoke collective identity, the general purpose of this article is to evaluate the elements of architectural identity that play a role in the process of forming physical identity and to use them in the body of buildings to increase the sense of belonging to a place in traditional places. it is affect. In order to achieve this goal, the present research, by using the descriptive-analytical method to collect information in the form of documents and survey, with the collection tool in the form of a questionnaire, first examined the correlation between the elements of architectural identity, physical identity and attachment to place. and then identifies the effective indicators in predicting the dependent variable (attachment to place) which using the statistical method of structural equations, the results of the research have shown that although the elements of identity have a role in the process of physical identity, the degree of influence They are different from other researches. Among the components of physical identity, continuity and transformation with an average of 3.65 has the highest average among the three components related to physical identity. And after that, differentiation and similarity with an average of 3.41 and unity and plurality with an average of 3.39 are placed respectively. As the results show, the residents of the neighborhood have a desire to connect with the past and at the same time innovate according to the conditions of the time. And at the same time, they pay attention to the use of specific architectural indicators of this neighborhood in order to distinguish it from other neighborhoods. This issue shows that the identity elements of the physical part are the basis of the common feeling among the residents. Also, in examining the impact of physical identity on attachment in Aghazaman neighborhood, creating social connections and using past patterns have played the greatest role in creating identity in this neighborhood. In this way, using the elements of architectural identity in a continuous manner and creating changes in these components can increase the sense of belonging to the neighborhood.

**Key words:** identity elements, physical identity, attachment, Aghazaman neighborhood